

## تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی

محمد بهشتی

عضو گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

### چکیده

نگاه صحیح و واقع‌بینانه به غریزه جنسی و ارضاء، هدایت و جهت‌دهی آن عاملی در جهت تکمیل، تکامل و سعادت فرد و راهکاری برای اصلاح، ارتقای معنوی، آرامش و آسایش جامعه بشری است. اما برخورد ناصواب و رفتار نامناسب با آن و پیمودن مسیر افراط و آزادی جنسی و یا مسیر تفریط و سرکوب، بدون تردید آسیب‌زاست و آسایش و آرامش افراد، خانواده‌ها و جامعه را تباه و سلامت جسم و جان و سعادت و کمال انسان را از بین می‌برد و جامعه بشری را با چالش‌های فراوان مواجه می‌سازد. در این مقاله، تربیت جنسی از نگاه فیض کاشانی در سه بخش به اختصار بررسی می‌شود: نخست، مبانی نظری تربیت جنسی؛ دوم، دانستنی‌های جنسی و شیوه آموزش؛ و سوم، تنظیم و تعدیل غریزه جنسی.

### واژه‌های کلیدی

تربیت جنسی، دانستنی‌های جنسی، ارضاء، هدایت و جهت‌دهی غریزه جنسی، تعدیل و تنظیم رفتار جنسی.

## مقدمه

غریزه جنسی از غرائز اصلی و نیرومند انسانی و عامل اصلی ارتباط مرد و زن است و از مهم‌ترین جنبه‌های شخصیتی است که بر بسیاری از ابعاد و زوایای زندگی آدمی و بر رفتار، گفتار و کردار او تأثیر می‌گذارد. این غریزه در چگونگی شکل‌گیری شخصیت فردی، شاکله اجتماعی و نیز بر اندیشه، زبان و بر بنیادها و نهادهای اجتماعی تأثیرگذار است. از این رو ارضاء، هدایت، و تنظیم و تعدیل آن لازم و ضروری است و چشم‌پوشی از این امور اصل فرایند تربیت را ناکارآمد، ناقص و بی‌ثمر می‌سازد.

بر این اساس باید تربیت جنسی به عنوان ساحتی مهم از ساحت‌های تربیت مورد توجه عمیق قرار گیرد و با دادن آموزش‌های لازم و آگاهی‌های نافع و با ارائه برنامه واقع‌بینانه و راه‌کارهای حکیمانه برآمده از دین به جوانان، نوجوانان آنان را در راه هدایت و تنظیم و تعدیل غریزه جنسی یاری رسانیم تا از سنین پرمخاطره بلوغ و پس از آن به سلامت بگذرند و از برخورد ناصواب و از افراط و تفریط جلوگیری شود و سعادت و کمال فرد و جامعه تأمین گردد.

بدیهی است پرداختن به تربیت جنسی در عصر حاضر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا با پیشرفت تمدن و فناوری و گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی و وسایل ارتباط جمعی جهانی و گسترش و رواج عوامل برانگیزاننده جنسی، وضعیت اسفبار جنسی به وجود آمده و حیات جامعه بشری با مخاطره جدی مواجه شده است؛ بنابراین تبیین و بررسی تربیت جنسی از منظر اسلام و دانشوران مسلمان نیاز حتمی جامعه و نسل امروز ماست.

با توجه به اهمیت فراوان تربیت جنسی، این جستار به تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱ ه.ق) اختصاص یافته است. لازم به ذکر است آرای تربیتی فیض در ساحت تربیت جنسی با آرای دانشوران دیگر اشتراک فراوان دارد و دلیل این اشتراک هم وحدت منابع است؛ زیرا مستند فیض و دیگر دانشوران آیات شریفه قرآن کریم، روایات و احادیث معصومین (ع) است.

این مقاله مشتمل بر سه بخش است؛ در بخش نخست، مبانی نظری تربیت جنسی مانند مفهوم تربیت جنسی، تفاوت تربیت جنسی و اخلاق جنسی، مبانی خاص تربیت جنسی، اهداف تربیت جنسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در هر قسمت رأی و نظر فیض کاشانی بیان می‌شود. بخش دوم به آموزش‌ها و دانستنی‌های جنسی اختصاص یافته است و در بخش پایانی از تأمین، تنظیم و هدایت غریزه جنسی بحث می‌شود و راه‌کارهای تأمین، تنظیم و تعدیل غریزه جنسی برشمرده می‌شود.

### بخش نخست: مبانی نظری تربیت جنسی

#### ۱. معنا و مفهوم تربیت جنسی

تربیت جنسی تنها آموزش جنسی یا انتقال دانستنی‌های جنسی و یا پروردن و اوج دادن غریزه جنسی نیست و هرگز نمی‌توان تربیت جنسی را تنها به انتقال اطلاعات و آگاهی‌ها در ساحت مسائل جنسی یا فراهم آوردن زمینه رشد غریزه جنسی تعریف کرد، هرچند در نوشته‌ها و آثاری که غالباً در این زمینه نگاشته شده، تربیت جنسی به معنای دانستنی‌های جنسی، مکانیسم آمیزش جنسی و بیان علل و عوامل ناتوانی‌های جنسی تعریف شده است. اما دانشوران علوم تربیتی و روان‌شناسان و عالمان دینی تربیت جنسی را در معنای وسیع‌تری به کار برده‌اند. (رک: کاردان به نقل از دُبس، ۱۳۶۸، ص ۱۴۸ تا ۱۶۲؛ شکوهی، ۱۳۶۸، ص ۱۸۳ و ۱۸۴؛ تقی‌زاده به نقل از ولاییک، ۱۳۶۹، ص ۵ و ۶؛ بهشتی به نقل از علوان، ۱۳۷۰، ص ۳۶۵).

فیض کاشانی در ضمن تبیین ضرورت تربیت جنسی، تعریف آن را نیز بیان کرده و سخن وی چون مشتمل بر نکات مهمی است تمامی آن نقل می‌شود، سپس تعریف برگرفته شده از این کلام مورد تفسیر و تحلیل قرار می‌گیرد. وی چنین آورده است: «شهووت و تمایل جنسی برای ایفای لذت جنسی و بقای نسل در آدمی به ودیعت نهاده شده، اما بدون تردید این تمایل نیرومند و سرکش نیاز به هدایت و تعدیل دارد و در صورتی که مهار نگردد و به افراط کشیده شود و یا مغفول ماند و

به تفریط گراید و به اعتدال نباشد، قطعاً دین و دنیای آدمی را تباه می‌سازد زیرا در صورت افراط سه پیامد خطرناک در پی دارد: ۱. غریزه جنسی بر عقل چیره می‌گردد و آن را اسیر خود می‌سازد؛ در این صورت هوسبازی و شهوترانی به عنوان اساسی‌ترین هدف زندگی شخص رقم می‌خورد و از کمال و سعادت بازمی‌ماند؛ ۲. تمایل جنسی دین و دینداری را مقهور خود می‌سازد و در این صورت حلال و حرام برای آدم شهوتران بی‌معنی خواهد بود و رفته‌رفته به انحراف جنسی تن می‌دهد؛ ۳. پیامد خطرناک دیگر این است که آدمی به عشق‌بازی حیوانی کشیده می‌شود و غلام حلقه به گوش شهوت جنسی خواهد شد. البته چنان که افراط زیانبار است، تفریط نیز مشکل‌ساز است و نادیده انگاشتن، غفلت و یا سرکوب غریزه جنسی اختلالات و ناهنجاری‌های جسمانی و روانی پدید می‌آورد. بر این اساس باید پرداختن به تمایل جنسی و تأمین و ارضای آن به اعتدال باشد و رعایت این مهم نیاز به تربیت دارد.» (فیض کاشانی، ۱۳۹۹ق، ص ۶۳ و ۶۴؛ ۱۳۸۳ق، ج ۵، ص ۱۷۶-۱۷۹).

از این سخن چنین به دست می‌آید که از منظر فیض کاشانی تربیت جنسی تنها آموزش جنسی، دانستن‌های جنسی و یا پروردن و اوج دادن غریزه جنسی نیست، بلکه مقصود از تربیت جنسی ایجاد زمینه‌ها و موقعیت‌هایی است که متربی را با ارضاء و هدایت غریزه جنسی و با رفتار جنسی اعتدال‌آمیز و هماهنگ با هدف خلقت آشنا می‌سازد؛ بهداشت و سلامت جسمی و روحی او را تأمین می‌کند و زمینه رشد شخصیت فردی، اجتماعی و اخلاقی و فرهنگی او را به وجود می‌آورد؛ او را از انحراف و لغزش جنسی مصون می‌دارد و سعادت و کامیابی دنیوی و اخروی او را فراهم می‌آورد. پیداست آنچه به عنوان تعریف تربیت جنسی از کلام فیض بیان شد برداشت و تحلیل و تفسیری است که می‌توان از سخن وی به دست آورد.

## ۲. تفاوت تربیت جنسی و اخلاق جنسی

هرچند اخلاق جنسی و تربیت جنسی هر دو از مسائل جنسی سخن می‌گویند و به

بررسی این مباحث می‌پردازند، اما اخلاق جنسی آن نوع رفتارها، صفات و خصلت‌های جنسی را مورد بحث قرار می‌دهد که قابل مدح و ذم است، چون اخلاق به بایدها و نبایدهای ارزشی و اخلاقی می‌پردازد؛ اما تربیت جنسی از تمامی رفتارها، صفات و خصلت‌های مرتبط با غریزه جنسی بحث می‌کند، خواه آنها قابل مدح و ذم باشند و یا رفتارها و خصلت‌های عادی و غیرقابل مدح و ذم باشند. بنابراین قلمرو مباحث تربیت جنسی گسترده‌تر و وسیع‌تر از محدوده مباحث اخلاق جنسی است. فرق دیگر این است که دانش تربیت جنسی ما را با سازوکارهای عملی و عینی چگونه اعتدال بخشیدن، هدایت و جهت دادن غریزه جنسی آشنا می‌سازد، و راه و رسم مصون ماندن از لغزش‌ها و آسیب‌های جنسی را نشان می‌دهد، چون در معنا و مفهوم تربیت، پروریدن، چگونه پرورش دادن و راه و رسم آن نهفته است؛ پس می‌توان گفت همواره تربیت جنبه کاربردی، عینی و عملی دارد؛ اما در معنا و مفهوم اخلاق این تقیید نیست. بنابراین نگاه تربیت جنسی به مسائل جنسی نگاه کاربردی و عینی است و از این جهت خاص است.

### ۳. مبانی تربیت جنسی

مبانی تربیت جنسی به سه دسته کلی مبانی معرفت‌شناختی، مبانی انسان‌شناسی و مبانی هستی‌شناسی تقسیم می‌شود و هر دسته مشتمل بر مجموعه‌ای از عناوین است که در این جستار به همه آنها پرداخته نمی‌شود و تنها به بیان چهار مبانی مهم که فیض کاشانی آنها را مهم دانسته بسنده می‌شود:

#### الف) غریزه جنسی

غریزه جنسی از منظر اسلام و دانشوران مسلمان، موهبتی الهی و امری طبیعی و فطری است و چنین علاقه و تمایل باطنی مرد و زن به یکدیگر امری پسندیده و نیکوست و هیچ‌گونه زشتی و پلیدی ندارد. درمقابل، دیدگاهی است که تمایل و علاقه جنسی را ذاتاً پلید و زشت و آمیزش مشروع جنسی را حیوانیت و عامل

انحطاط و سقوط می‌داند که چنین نگرشی به معنای محکوم کردن جزئی از وجود آدمی است و بی‌تردید در حیات خانوادگی تأثیر منفی دارد.

فیض کاشانی درباره‌ی غریزه جنسی چنین آورده است: «گرایش و تمایل باطنی زن و مرد به یکدیگر آیت خدا، عطیه الهی، عامل بقاء نوع و نیز زمینه لذت بردن و کامجویی است». (فیض کاشانی، ۱۳۹۹ق، ص ۶۳؛ ج ۵، ۱۳۸۳، ص ۱۷۶) و نیز چنین گفته است: «این تمایل هیچ‌گونه زشتی و پلیدی ندارد و به هیچ‌وجه به عنوان امری منفی شناخته نشده، بلکه ارضای صحیح و مشروع آن لازم و پیوند زناشویی به عنوان فرمان باری تعالی و بنیادی محبوب و پسندیده و راهکاری برای ارضاء و هدایت و نظم دادن به این تمایل باطنی است.» (فیض کاشانی، ج ۳، ۱۳۸۳ق، ص ۵۱). و نیز در این باره چنین آورده است: «به نظر قرآن کریم علاقه زن و مرد به یکدیگر از بنیادهای رفیعی است که خداوند آن را بر پایه مودت و رحمت استوار کرده، و آرامش و آسایش و سکونت زن و مرد را به ازدواج پیوند داده است» (فیض کاشانی، ج ۴، بی‌تا، ص ۱۲۹).

به هر حال، از مسائل بنیادین تربیت جنسی نوع نگاه به غریزه جنسی است. پیداست اگر غریزه جنسی را آیت حکمت و قدرت و موهبت الهی بدانیم چنانکه قرآن کریم و احادیث و روایات و نیز دانشوران مسلمان از جمله فیض کاشانی بدان تصریح کرده‌اند، پس باید بدان پاسخ مشروع و سالم و به اعتدال داده شود زیرا بی‌توجهی و سرکوب بی‌تردید زیان‌بار است و جسم و جان را آزرده می‌سازد، چنانکه شهوترانی جنسی و افراط در ارضا و آزاد گذاردن تمایل جنسی نیز سقوط و انحطاط فرد و جامعه است.

#### ب) نیرومندی غریزه جنسی

غریزه جنسی تمایلی نیرومند و نیازساز است و بر زندگی آدمی تأثیر فراوان دارد و چون سر به طغیان آورد و یا مورد غفلت قرار گیرد، مسیر کمال را مختل و حیات بشری را با بحران و چالشی جدی مواجه می‌سازد و او را از اندیشیدن، فعالیت،

ابتکار، عبادت و عمل صالح بازمی‌دارد و در صورتی که نادرست ارضاء گردد باز هم مشکل‌ساز و آسیب‌زاست و از این جهت توانمندی و نیرومندی غریزه جنسی ایجاب می‌کند که نسبت به تربیت جنسی توجه لازم بشود و برای آن برنامه‌ریزی درخور و دقیق بشود.

نکته دیگر این است که آدمی در برابر غریزه جنسی ناتوان و تاب مقاومت او اندک است و جالب است بدانیم در قرآن کریم آن مورد که انسان به ضعف و ناتوانی توصیف شده درباره غریزه جنسی است، یعنی از آیه ۱۹ سوره نساء درباره خانواده، معاشرت خانوادگی، محارم، راهکارهای ارضای غریزه جنسی و انحرافات جنسی است و بلافاصله در این دو آیه شریفه از توانمندی غریزه جنسی و ضعف انسان سخن رفته است؛ «وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا، ... وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا؛ آنان که از خواسته‌های نفسانی پیروی می‌کنند می‌خواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید» و انسان ناتوان آفریده شده است» (نساء، آیه ۲۷-۲۸).

فیض کاشانی در تفسیر این دو آیه چنین نگاشته است: «اهل باطل دوست دارند شما مؤمنان از طریق پیروی از شهوات، خواسته‌های نفسانی و اباحی‌گری از راه حق منحرف شوید اما خداوند حکیم و رؤف چون می‌داند انسان در برابر غریزه جنسی ضعیف و ناتوان است و در برابر تمایلات جنسی استواری ندارد، تسهیلاتی چون ازدواج دائم و موقت برای آن قرار داده است» (فیض کاشانی، ج ۱، بی‌تا، ص ۴۴۲؛ ۱۳۸۳ق، ج ۷، ص ۱۳۲ و ۱۳۳).

#### ج) پلیدی عزوبت و مبارکی ازدواج

عزوبت پدیده‌ای نامبارک و ازدواج امری مقدس و مبارک است. فیض کاشانی مانند دیگر دانشوران مسلمان، با الهام از قرآن و سنت در آثار حدیثی خود ابوابی را با عنوان زشتی عزوبت، زشتی انزواگزینی و روی‌گردانی از ازدواج و نیز مبارکی و تقدس ازدواج گشوده و روایاتی را در ذیل آن ابواب آورده است؛ از جمله:

قال النبی (ص): اکثر اهل النار العزاب (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۳۳)،

بیشتر دوزخیان کسانی هستند که بی همسر زندگی می کنند.

قال النبی (ص): رذال موتاکم العزاب (همان)، بدترین مردگان شما افرادی هستند که همسر ندارند.

قال النبی (ص): الرکعتان یُصلّیهما متزوج افضل من رجل اعزب یقوم ليله و نهاره (همان، ص ۳۲)، دو رکعت نماز متأهل از عبادت شخص مجردی که شبها عبادت کند و روزها روزه بگیرد بهتر است.

در برابر ازدواج امری مبارک، مقدس و آسمانی است. در این زمینه نیز روایات بی شماری است از جمله:

قال النبی (ص): ما بُنیَ بناء فی الاسلام احبّ الی الله من التزویج، (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۳۴)، بنیادی محبوب تر و عزیزتر از ازدواج در اسلام وجود ندارد.

قال النبی (ص): یا معشر الشباب علیکم بالباه، (همان، ص ۳۸)، ای جوانان به سوی ازدواج بشتابید.

قال النبی (ص): النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منّی، (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۵۵)، زناشویی سنت من است و هر کس از این سنت اعراض کند از من نیست.

فیض کاشانی فلسفه مبارک بودن ازدواج و پلیدی عزوبت را این گونه تحلیل و تفسیر می کند:

«ازدواج با نیاز جنسی، علاقه باطنی زن و مرد، با ساختار بدنی و تجهیزات جسمانی و با میل فطری انسان به بقای نسل، هماهنگ و سازگار است، و آدمی را از گناه و انحراف مصون می دارد و در سلامت جسم و جان او تأثیر می گذارد، اما عزوبت با فطرت و سرشت و با ساختار بدنی و تجهیزات جسمانی و با توانایی های روحی ناسازگار است، کسی که عزب می ماند به برنامه تکوینی و تشریحی باری تعالی پشت پا زده است و با دست خود جسم و جان خود را بیمار می سازد.» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۵۸ تا ۷۹).

#### ۴. اهداف تربیت جنسی

اهداف تربیت جنسی به اهداف نهایی، میانی و رفتاری تقسیم می‌شود. اهداف نهایی تربیت جنسی این است که انسان رشد معنوی پیدا کند و سعادت دنیا و آخرت او تأمین و به قرب الهی نائل آید. پیداست تربیت و پرورش انسان در همهٔ ساحت‌ها به منظور تحقق همین اهداف است و به تربیت جنسی اختصاص ندارد؛ از این رو در اینجا از اهداف نهایی سخن نمی‌گوییم و تنها به اهداف میانی و رفتاری می‌پردازیم و به بیان برخی از آنها بسنده می‌کنیم:

##### ۱. پاسخ متعادل به غریزهٔ جنسی

از منظر دین مبین اسلام و دانشوران مسلمان، رفع نیاز جنسی باید به اعتدال باشد و از افراط و تفریط به دور و این مهم را به عنوان هدف تربیت جنسی دانسته‌اند. فیض کاشانی در این باره می‌نویسد: «سائقهٔ جنسی باید از عقل و شرع پیروی کند و به اعتدال گراید زیرا افراط در رفع نیاز جنسی فروگذاری عقل و دین است، و با هدایت، سعادت و کمال در تعارض جدی است. تفریط در آن نیز خروج از حوزهٔ اعتدال و عدل و کجروی در انجام سنت نبوی است و علاوه بر این، آنان که از ازدواج سرباز می‌زنند در برقراری ارتباط اجتماعی ناتوانند، (فیض کاشانی، ۱۳۹۹ق، ص ۶۳ و ۶۴) و تهذیب باطن هم بدون ازدواج کردن ناقص می‌ماند» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۶۵).

##### ۲- بقا و حفاظت نسل

آدمی به بقا و حفاظت نسل خویش تمایل جدی دارد و بدین سبب به ازدواج روی می‌آورد تا از این طریق نسل او محفوظ بماند. بدیهی است در صورتی این مهم محقق می‌گردد که انحراف جنسی در بین نباشد، آنچه ما را در تحقق بقا و حفاظت نسل یاری می‌رساند، تربیت جنسی است که با سازوکار خود ماهیت انحراف جنسی را تبیین و پیامدهای آن را آشکار می‌سازد و همهٔ افراد را از کجروی جنسی بازمی‌دارد.

فیض کاشانی با الهام از دین مبین اسلام به تفصیل از حفاظت نسل و ارتباط نسلی سخن گفته و نسبت به انحرافات جنسی هشدار داده و آثار و پیامدهای تلخ دنیوی و اخروی آنها را بیان کرده (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۵۸ تا ۶۳)، و وجود فرزندان نامشروع را از آسیب‌های جدی و از چالش‌های بنیان‌برافکن جامعه دانسته و ثابت کرده که بدون آموزش‌ها و راهکارهای دینی در ساحت مسائل جنسی نمی‌توان حفاظت و ارتباط نسلی را پاس داشت (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۹۰).

### ۳. لذت و صفای زندگی

بی‌تردید از اهداف مهم تربیت جنسی التذاذ جنسی و نیل به آسایش، آرامش و صفای زندگی است و دستیابی به این اهداف، مستلزم پیوند زناشویی مشروع و حلال است. فیض کاشانی لذت و صفای خانوادگی را به لذت بهشت برین تشبیه کرده و در این باره چنین آورده: «لذت و صفای خانوادگی یادآور لذت‌های بهشتی است و می‌توان این را نمونه‌ای از آن دانست» (فیض کاشانی، ۱۳۹۹ق، ص ۶۳؛ و ۱۳۷۷ق، ص ۲۱۵).

بدیهی است اگر کانون خانواده، کانون صفا و مهر باشد؛ زن و شوهر همه‌علاقه، عشق و احساس عاطفی خود را برای کانون قدسی خانواده ذخیره می‌کنند و در آنجا آن را خرج می‌کنند و بی‌تردید به سکونت، آرامش و صفای وصف‌ناشدنی می‌رسند و در پی این مهم به همه محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های التذاذ جنسی در بیرون خانه پایبند می‌مانند. تربیت جنسی به ما شیوه انتخاب همسر، همسراری و چگونگی زندگی کردن در خانه و خانواده را می‌آموزد.

### ۴. ایجاد جامعه سالم

بی‌تردید تربیت جنسی بستری است که با ایجاد جامعه سالم پیوند وثیق و عمیق دارد زیرا سلامت جامعه براساس سلامت افراد شکل می‌گیرد و با توجه به این‌که گزینه جنسی یک نیاز همگانی و فراگیر است، اگر مردمان در زمینه مسائل جنسی

به درستی تربیت شده باشند جامعه نیز سالم خواهد بود و چنانچه افراد در این زمینه درست تربیت نشده باشند، بی‌تردید برای رفع نیاز جنسی خود به انحراف کشیده می‌شوند و خود و جامعه را به فساد و تباهی می‌کشند و موجب نابسامانی‌ها و چالش‌های فراوان می‌شوند.

فیض کاشانی در این باره می‌نویسد: «آن‌گاه که شهوت جنسی چیره گردد و طغیان کند جسم و جان، اندیشه، عقل و دل انسان را اسیر خود می‌سازد و بی‌تردید افراد را به ارتکاب گناه وامی‌دارد؛ پس باید به راه درست تربیت جنسی که پیوند زناشویی است تن داد و گرنه به گفته باری تعالی؛ «إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ» چنانچه این دستور را به کار نبندید در زمین فتنه و فساد بزرگ پدید خواهد آمد» (انفال، آیه ۷۳). (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۶۴).

### بخش دوم: آموزش‌ها و دانستنی‌ها

آگاهی دادن به نوجوانان و جوانان درباره مسائل جنسی از جمله: بلوغ، احتلام، عادت ماهانه، روابط دختر و پسر و... همواره ضرورت داشته، اما در شرایط ویژه جهان معاصر که وسائل برانگیزانده شهوت جنسی در سطح دنیا گسترش یافته و دستیابی به دانستنی‌های جنسی از طریق رسانه‌های جمعی و نیز از زبان افراد نامطمئن سهل‌الوصول شده، این ضرورت به مراتب بیشتر است. به همین علت باید با بهره‌گیری از تعالیم دین مبین اسلام و اندیشه دانشوران مسلمان این آگاهی‌ها در اختیار جوانان و نوجوانان قرار گیرد تا از حساس‌ترین مرحله زندگی یعنی دوران بیداری و طغیان غریزه جنسی به سلامت عبور کنند.

ناگفته پیداست شیوه آموزش باید حکیمانه، آگاهانه و با ظرافت و لطافت فراوان باشد تا از هر گونه بدآموزی پرهیز شود و پیامدی به دنبال نداشته باشد. اعتقاد ما این است که دانستنی‌های جنسی که در آموزه‌های دینی آمده، برخوردار از این شرایط است؛ زیرا:

اولاً: آموزش‌های جنسی در قرآن و روایات با بیان آیات الهی و نقل نشانه‌هایی

از عظمت، زیبایی آفرینش و با بیان حلال و حرام و خلاصه با صبغه هدایت درهم تنیده شده، و کاملاً رعایت ادب و حرمت انسان شده است و از هر گونه بدآموزی برکنار است. بنابراین بر پدر و مادر است که در این قالبها مسائل جنسی را به نوجوانان و جوانان بیاموزند و تنها به ذکر آموزه‌های جنسی بسنده نکنند.

ثانیاً: آموزش‌های جنسی در دین مبین اسلام تدریجی است یعنی مسائل جنسی مربوط به هر مرحله‌ای همگام با رشد آن مرحله بیان می‌شود؛ از این‌رو، مسائل جنسی مرحله‌بندی و سطح‌بندی است و به تدریج برای نوجوانان و جوانان بیان می‌شود.

ثالثاً: بیان مسائل جنسی از زبان دین برای این است که مرد و زن با وظایف و تکالیف شرعی خویش آشنا گردند. فیض کاشانی با الهام از قرآن کریم و روایات و احادیث معصومین(ع) به دانستی‌های جنسی پرداخته است که به پاره‌ای از آنها بسنده می‌شود:

۱. پوشاندن اندام جنسی؛ فیض کاشانی پوشاندن اندام جنسی حتی از محارم را ضرورت دین دانسته و آن را به کتاب، سنت و اجماع فقها مستند ساخته است. وی در ذیل آیه شریفه «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ؛ به مردان با ایمان بگو دیده فرونهند و عورت خویش را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه است... و به زنان مؤمن بگو دیدگان خود را از هر نامحرمی فروبندند و عورت خویش را مستور سازند» (نور، آیات ۳۰ و ۳۱)، چنین آورده است: «حفظ فروج (اندام جنسی) در آیه شریفه به معنای پوشاندن و مستور ساختن آن از نگاه دیگران است؛ زیرا امام صادق(ع) می‌فرماید: هر آیه‌ای در قرآن که از حفظ فروج سخن می‌گوید، منظور پاکدامنی و دوری کردن از انحراف جنسی زناست؛ جز این آیه شریفه که منظور ستر عورت است و در روایت دیگری نیز امام صادق(ع) می‌فرماید: خداوند فرمان داده که همه مردم عورت خود را از زن و مرد بپوشانند» (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۲۹). ناگفته پیداست پوشاندن اندام جنسی با ساختاری که ذاتاً باحیا آفریده

شده، هماهنگ و با نزاهت و نظافت و پاکیزگی روح همراه و با ارزش‌هایی چون شرم، حیا و عفاف همگام و برای رشد و سلامت فرد و جامعه راهکاری حکیمانه است و باید این مهم از همان دوران کودکی جدی گرفته شود.

۲. استیذان: خانه و محل زندگی جای آسایش خاطر است و باید از تحریکات جنسی و از هر گونه بدآموزی برکنار و حیا و عفاف بر آن سیطره داشته باشد؛ از این‌رو، دین مبین اسلام استیذان و اجازه گرفتن برای ورود به محل زندگی دیگران را لازم دانسته است. فیض کاشانی در کتاب الوافی بابی به عنوان الاستیذان گشوده و تمامی موارد استیذان را برشمرده است: «۱. پیامبر اعظم (ص) حریم زنان را پاس داشته و ورود نامحرم را در حریم زندگی آنان بدون اجازه ممنوع کرده است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۸۴۱)؛ ۲. امام صادق (ع) می‌فرماید: اگر دختر و یا خواهر شخصی ازدواج کرد، او دیگر نمی‌تواند سرزده به اطاق و خانه دختر خود و خواهر خود وارد شود. (همان)؛ ۳. امام صادق (ع) می‌فرماید: هرگاه والدین در خلوت باشند و فرزندان بخواهند بر آنان وارد شوند باید اجازه بگیرند. (همان، ص ۸۴۲)؛ ۴. امام صادق (ع) می‌فرماید: افراد بالغ نباید سرزده بر مادر، خواهر، خاله و هر شخص دیگر وارد شوند. (همان، ص ۸۴۳)». پیداست این موارد افزون بر آن مواردی است که در قرآن کریم (نور، ۵۸-۵۹) به کودکان، نوجوانان و جوانان فرمان داده شده که پیش از نماز صبح و در نیمروز وقت استراحت و پس از شامگاهان چون بخواهند به استراحتگاه پدر وارد شوند باید اجازه بگیرند.

۳. جداسازی بستر خواب: یکی از راه‌های پیشگیری از انحرافات جنسی این است که محیط خانواده و معاشرت‌ها و ارتباطات درونی آن با راهکارها سالم بماند. جداسازی بستر خواب کودکان به‌ویژه کودکان ناهم‌جنس از سن شش سالگی به بعد از جمله راهکارهای مؤثر در سلامت خانه و خانواده است. فیض کاشانی در کتاب الوافی بابی به عنوان تأدیب الولد گشوده و در مورد جداسازی بستر خواب کودکان، روایاتی را نقل کرده است؛ از جمله این‌که: «پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: بستر خواب پسر بچه با پسر بچه و دختر بچه با دختر بچه در

سن ده سالگی باید از هم جدا باشد (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۳، ص ۱۳۸۰). و در روایت دیگری امام باقر(ع) می‌فرماید: باید بستر خواب پسر بچه ده ساله را از زن‌ها جدا کنید. (همان) و در روایت دیگری چنین وارد شده که بستر خواب کودکان در شش سالگی از هم باید جدا باشد. (همان)»

۴. آموزش عفاف: در تعالیم تربیتی اسلام چنین آمده که به دختران سوره نور بیاموزید و از آموختن سوره یوسف به آنان خودداری کنید (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳۲، ص ۱۳۸۳). فیض کاشانی در مورد فلسفه این فرمان چنین آورده است: «پیام سوره نور حیا، عفاف و پاکدامنی است و بدین سبب فرمان رسیده که این سوره را به دختران بیاموزید تا بنیان‌های عفاف، حیا و پاکدامنی در آنان مستحکم گردد. اما در سوره یوسف سخن از عشق زن به مرد رفته و آشنایی دختران با آموزه‌های عشقی درسین پایین ممکن است به رفتار نامناسب جنسی بیانجامد؛ از این رو، آموختن سوره یوسف بدانان مناسب نیست (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۳، ص ۱۳۸۳)». سخن ما این است که با توجه به این دستور حکیمانه با تنقیح مناط و ملاک‌یابی می‌توان ادعا کرد که از نظر اسلام برای پسران و دختران خواندن و مطالعه کردن آموزه‌های جنسی تحریک‌زا مانند کتاب، مقاله، داستان و یا تماشای فیلم‌های جنسی ممنوع و حرام است.

۵. بلوغ دختران و پسران: پدیده بلوغ فرایندی شگرف و پیچیده است، زیرا از یک سو دوران بیداری غریزه جنسی و مرحله تغییرات دگرگونی‌های فیزیولوژیکی، عاطفی و روانی است، و از سوی دیگر دوران انتقال از وابستگی به استقلال، دوران رشد، قدرت و پویایی جسمی، فکری، عقلانی و دینی است؛ و از این رو، باید مورد توجه جدی والدین، مربیان و معلمان قرار گیرد و از روی علم، آگاهی، تدبیر حکیمانه و دلسوزی نوجوانان و جوانان را برای ورود آگاهانه به دوران شگرف بلوغ آماده سازند و تغییرات، نشانه‌ها، احکام، مسائل شرعی و نکات بهداشتی بلوغ را برای آنان تشریح کنند و آنان را از اندیشه‌ها و آموزه‌های انحرافی بازدارند.

فیض کاشانی در مورد دانستنی‌های بلوغ سخن فراوان گفته که به پاره‌ای از آنها

اشاره می‌کنیم:

۱-۵. نشانه‌های بلوغ: فیض سه نشانه برای بلوغ ذکر می‌کند: «نخست، بیرون آمدن منی در خواب یا بیداری در پسران و دیدن خون حیض در دختران، دوم، رویدن موی زبر و درشت در زیر شکم بالای عورت در دختران و پسران و سوم، تمام شدن پانزده سال قمری در پسران و نه سال قمری در دختران. (فیض کاشانی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۱۴)». وی به نکته ظریفی در مورد سن بلوغ در دختران اشاره کرده است: «نه سالگی سن خاص بلوغ دختران است، البته نسبت به نماز؛ اما درباره روزه روایاتی داریم که دختران قبل از اینکه سیزده ساله کامل شوند، واجب نیست روزه بگیرند؛ مگر اینکه پیش از آن خون حیض ببیند (همان)».

۲-۵. وظایف و تکالیف فردی: انسان بالغ مکلف به وظایف شرعی است. فیض کاشانی می‌گوید: «پسران آن‌گاه که محتلم می‌شوند و دختران نیز در عادت ماهانه باید وظایف، احکام واجب و حرام و احکام مستحب و مکروه خود را بدانند و پس از احتلام و عادت ماهانه غسل خود را انجام دهند و نیز باید مسأله تقلید از مجتهد جامع‌الشرایط را توجه داشته باشند و مسائل طهارت، نجاست، مطهرات، نجاسات و کیفیت وضو گرفتن، غسل کردن، تیمم کردن و نماز خواندن را یاد بگیرند و نماز و روزه خود را انجام دهند (همان، ص ۱۴، ۱۵، ۵۳، ۵۱ و ۶۵)».

۳-۵. وظایف و تکالیف اجتماعی: کسانی که به سن بلوغ می‌رسند باید به وظایف خود در ارتباط با دیگران نیز آگاهی داشته باشند و پدران و مادران و مربیان باید این وظایف را برای آنان بازگو کنند. فیض کاشانی به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کند: «افرادی که به بلوغ می‌رسند باید محارم را از غیرمحارم بازشناسند و بدانند نگاه دو قسم است: روا و ناروا، و خود را عادت دهند که از نگاه ناروا و چشم‌چرانی پرهیزند (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۸۱۷)، که نگاه به نامحرم تیر مسموم شیطان است و غریزه جنسی را شعله‌ور و تنور شهوت جنسی را سوزان و فشار جنسی را افزون می‌سازد؛ و بالاخره آدمی را از پای درمی‌آورد. (همان، ص ۱۵۹) و بر دختران بالغ حفظ پوشش و حجاب لازم است که فلسفه حجاب، طهارت و پاکیزگی جان‌هاست. (همان، ص ۸۱۳ و ۸۱۴) و نیز زیبایی‌ها و زیورهای

خود را مخفی دارند و نزد نامحرمان آشکار نساژند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۴۳۰) و در بیرون از خانه خود را نیارایند (همان، ص ۴۳۲) و از این که بوی خوش آنان را مردان بیگانه و نامحرم استشمام کنند، سخت پرهیزند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۸۱۴) و از ارتباط و معاشرت نامشروع برکنار باشند (همان).

۶. مستور بودن آمیزش جنسی: تردیدی نیست ارتباط جنسی در حضور فرد ثالث یک انحراف جنسی است و موجب بروز ناهنجاری‌های روانی و لغزش‌ها و انحرافات جنسی در آن فرد می‌شود و بدین سبب پدران و مادران باید کاملاً توجه و عنایت ویژه به این مهم داشته باشند و در حضور فرزند خود از مراوده جنسی، سخن عاشقانه و آمیزش جنسی سخت پرهیزند و خیال نکنند کودکان به آن مسائل توجه ندارند و یا از درک آن مسائل ناتوانند و یا زود آن صحنه‌ها را فراموش می‌کنند، هرگز چنین نیست؛ زیرا اگر تنها زوایایی از مسائل جنسی را متوجه شوند و اگر سخنی، صدایی و حرکتی را مشاهده کنند و یا حتی نفس پدر و مادر را احساس کنند؛ بی‌تردید آثار مخربی در روح و روان فرزندان به جای می‌ماند و در آینده دور یا نزدیک نتیجه آن ظاهر می‌شود.

فیض کاشانی با استناد به روایاتی از معصومین (ع) مستور بودن آمیزش جنسی را به درستی تبیین کرده است. روایات مورد استناد وی عبارتند از:

۱. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: به خدا سوگند اگر مردی با همسر خود بیامیزد و در آن اطاق، کودکی بیدار باشد و آن دو را در حال آمیزش بنگرد و سخن آنان را بشنود و صدای نفس آنان را احساس کند، آن کودک هرگز رستگار نخواهد شد و دختر باشد و یا پسر، سرانجام به انحراف جنسی آلوده خواهد شد.

۲. امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: اگر در اتاقی کودکی حضور دارد، نباید شوهری با زن خود بیامیزد؛ زیرا سرانجام این عمل بی‌عفتی و زناکاری است (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۷۲۵).

۳. سیره و سنت امام سجاد (ع) چنین بوده که هرگاه هیچ‌کس در خانه نبوده با همسر خویش آمیزش داشته است (همان، ص ۷۲۶).

۷. آمیزش جنسی: بی‌تردید زن و شوهری که آمیزش جنسی آگاهانه و دلچسب دارند، غالباً از زندگی خود رضایت دارند؛ زیرا رضایتمندی زن و شوهر در آمیزش جنسی عامل افزایش ارتباط عاطفی، محبت، رأفت و موجب کاهش تنش‌ها و سوءرفتارها، و وسیله‌ای برای افزایش تمرکز حواس و اعتماد به نفس است؛ از این‌رو، همه مردم به‌ویژه جوانانی که در آستانه ازدواج قرار دارند، به آگاهی‌های لازم در این زمینه نیاز دارند. دین مبین اسلام درباره اصل آمیزش جنسی، مکانیسم و اوقات آمیزش جنسی و نیز درباره فضا، مکان و شرایط روانی آمیزش جنسی و همچنین از موانع شرعی آمیزش سخن گفته است. البته آوردن همه این مطالب، در گنجایش این مقاله نیست؛ از این‌رو، به بیان سه نکته درباره آمیزش جنسی از زبان فیض کاشانی بسنده می‌کنیم:

۱. وی درباره اصل آمیزش جنسی چنین گفته است: «آمیزش جنسی برترین و قوی‌ترین لذت بدنی و نمونه‌ای از لذت بهشتی است» (فیض کاشانی، ۱۳۹۹ق، ص ۶۳). لازم به ذکر است مستند فیض کاشانی در این مطلب، روایات بسیاری است که اصل آمیزش جنسی مشروع را امری مبارک و خجسته، بالاترین لذت مادی، و دارای اجر و ثواب دانسته‌اند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۲۹ و ۳۰)

۲. درباره کیفیت آمیزش جنسی، فیض کاشانی با الهام از روایات و احادیث، از آمیزش جنسی چنین سخن گفته است: «در آمیزش جنسی، اطیب آن است که زن و شوهر هر دو لذت برند و هر دو به طور کامل اقتناع و ارضا شوند. از این‌رو، باید هر دو از نظر جسمی و روحی آمادگی کامل داشته باشند و با صبر و حوصله عمل کنند و هرگز عجله نکنند و ملاحظه و معاشقه داشته باشند و با نوازش و نغمه محبت و کلام دلنشین باهم به اوج لذت جنسی برسند» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۱۱۰؛ ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۷۲۱).

۳. زن و شوهر علاوه بر اینکه کاملاً باید از موانع شرعی آمیزش جنسی آگاه باشند و بدان‌ها پایبند باشند، باید شرایط روانی آمیزش جنسی را نیز بدانند و بدان‌ها عمل کنند؛ از جمله آنها، سلامت بدن، تمیزی، آراستگی ظاهری، تغذیه مناسب،

محل مناسب، استراحت کامل، عوامل اخلاقی، روحی و معنوی، همه در آمیزش جنسی ولذت‌بردن و کامروایی مؤثر است. فیض‌کاشانی در کتاب الوافی روایات فراوانی را در این موارد ذکر کرده است. (فیض‌کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۷۱۰-۷۳۵)

### بخش سوم: راهکارهای تأمین و هدایت غریزه جنسی

فیض‌کاشانی با الهام از آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) راهکارهای تأمین، تعدیل و هدایت غریزه جنسی را بیان کرده است. در این قسمت، نخست از راهکارهای تأمین و سپس از عوامل تعدیل و هدایت غریزه جنسی از نگاه فیض بحث خواهیم کرد.

#### ۱. راهکارهای تأمین

برای تأمین و ارضای غریزه جنسی دوگونه راهکار وجود دارد: اول، راهکار سالم، مشروع و هماهنگ با فطرت انسان و دوم، راهکارهای ناسالم و غیرمشروع و مغایر با فطرت انسان که نوع دوم به عنوان انحرافات جنسی مطرح است. بحث ما در راهکار سالم و مشروع، همخوان با فطرت است. از نظر دین مبین اسلام و دانشوران مسلمان و از جمله فیض‌کاشانی، راه مشروع و سالم تأمین غریزه جنسی ازدواج است. البته ازدواج دو نوع است: دائم و موقت. ما در اینجا به ازدواج دائم و موقت، و نیز به تعدد زوجات اشاره مختصری داریم:

۱. ازدواج دائم: چنانکه اشاره شد، از نظر دین مبین اسلام، دانشوران مسلمان و از جمله فیض‌کاشانی، ازدواج امری مبارک، مقدس و آسمانی است و تشکیل زندگی خانوادگی و پیوند زناشویی بسیار اهمیت دارد. قرآن کریم درباره پیوند زناشویی دستوری سترگ و بسیار درخور توجه و حاوی نکاتی مهم صادر کرده است:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ و باید مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر و کنیزان و بندگان خود را به نکاح یکدیگر درآورید، اگر تنگ‌دست و فقیرند، خداوند به لطف خود

آنان را بی‌نیاز و مستغنی خواهد فرمود که خداوند گشایشگر داناست» (نور، آیه ۳۲).

فیض کاشانی از این آیه شریفه سه نکته استفاده کرده است:

۱. از کلمه انکحوا امر و فرمان خداوند را اثبات کرده است. (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۳۲) (و به نظر نگارنده از این آیه با توجه به تکرار ضمائر جمع و نیز آیات قبل و بعد آن می‌توان استفاده کرد که این فرمان یک فرمان جمعی است. بنابراین بر مردم مسلمان واجب است به این فرمان تن دهند).

۲. موارد فرمان عبارت است از زن و مرد بی‌همسر و غلامان و کنیزانی که آمادگی ازدواج دارند. (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۵۲).

۳. وعده حتمی خداوند در امر ازدواج، برای فقیران که چون تصمیم به ازدواج بگیرند، برای آنها گشایش به وجود می‌آید. فیض کاشانی برای تحکیم و تشدید مطلب اخیر، به روایاتی استناد می‌کند؛ از جمله: مردی نزد پیامبر اعظم آمد و از فقر و تنگدستی شکایت کرد. حضرت فرمود: ازدواج کن. او شگفت‌زده شد که من از فقر می‌نالم و شما مرا به ازدواج کردن که مخارج سنگین دارد می‌خوانید. حضرت فرمود: آری، و چون ازدواج کرد وضعیت او به کلی دگرگون شد (همان، ص ۵۲ و ۵۳ و نیز ج ۵، ص ۱۷۶-۱۹۰).

فیض کاشانی با در نظر گرفتن آیات و روایاتی که در مورد ازدواج است به نکات درخور توجهی رسیده است؛ از جمله:

۱. «هرچند نظر غالب فقیهان استحباب ازدواج است؛ اما با توجه به آیات و روایات فراوان در این زمینه و نیز با توجه به لسان آنها و نحوه برخورد معصومین (ع) با این مسأله، احتمال وجود آن بعید نیست» (فیض کاشانی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۳۰۵-۳۰۶).

۲. «ارضا و تأمین غریزه جنسی تا بدان میزان اهمیت دارد که اگر پیوند زناشویی انجام گرفت؛ اما پس از آن زن و یا شوهر با عیوب و نواقصی برخورد کردند که ناتوانی جنسی را به دنبال داشت؛ بی‌تردید این عیوب موجب فسخ عقد نکاح است» (همان).

۳. «سنت و سیره پیامبر اعظم این بود که چون اطلاع پیدا می‌کرد که شخصی

ازدواج کرده، می فرمود: دینش کامل شد؛ اما اگر خبر می یافت شخصی یا اشخاصی روی گردانده‌اند و یا به بهانه عبادت و سلوک از زندگی خانوادگی دست شسته‌اند، با تلخ کامی می فرمود: من به چنین شیوه‌ای مأمور نیستم، من عبادت می کنم، گوشت می خورم، سراغ زنان می روم و هر کس از سنت من روی گرداند از من نیست» (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۷۰۳).

۲. ازدواج موقت: از مختصات شریعت پیامبر اعظم تشریح ازدواج موقت است. این ازدواج به لحاظ ماهیت با ازدواج دائم هیچ فرقی ندارد، تنها زن و مرد با آزادی بیشتر و تعهدات سبک‌تر در مدت مشخصی پیوند زناشویی برقرار می کنند و فلسفه تشریح آن این است که اگر تنها ازدواج دائم تشریح می شد و ازدواج موقت نمی بود، ازدواج دائم نمی توانست نیاز جنسی همگان را تأمین کند؛ زیرا کسانی که توان ازدواج دائم را ندارند و در شرایط طغیان غریزه جنسی اند، یا باید خود را سخت ریاضت دهند و فشار جنسی را تحمل کنند و یا به انحراف جنسی تن دهند؛ و نیز مردانی که در موقعیتی قرار گرفته‌اند که دسترسی به همسر دائم خود ندارند و یا زنانی که شوهرانشان از دنیا رفته و امکان ازدواج دائم برای آنها نیست و...؛ در همه این موارد، مردان و زنان می بایست یا خود را به ریاضت و رهبانیت افکنند و یا به انحراف جنسی گرفتار شوند؛ و هر دو ناصواب است و تنها راه صواب و پسندیده ازدواج موقت است.

فیض کاشانی درباره ازدواج موقت به ۵ نکته مهم اشاره کرده است:

«۱. همه مسلمین اتفاق نظر دارند که در صدر اسلام و در زمان پیامبر اعظم (ص) ازدواج موقت وجود داشته است؛ زیرا در موقعیت‌های ویژه مانند مسافرت‌هایی که مسلمانان از همسران خویش دور بوده‌اند و در ناراحتی به سر می بردند، پیامبر اکرم (ص) به آنها اجازه می داد که ازدواج موقت داشته باشند. زیرا مشروعیت ازدواج موقت به استناد آیات شریفه قرآن است؛ از جمله: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً؛ زنانی را که متعه کرده‌اید مهرشان را به عنوان فریضه پرداخت کنید» (نساء، آیه ۲۴). مفسران شیعه و عالمان تفسیر اهل سنت، این آیه را

مربوط به ازدواج موقت دانسته‌اند. از مفسران صدر اسلام ابن عباس، ابن جبیر، ابن بن کعب، ابن مسعود و... این آیه را به ازدواج موقت تفسیر کرده‌اند» (فیض کاشانی، بی تا، ج ۳، ص ۴۳۸-۴۴۰؛ ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۳۳۵ و ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۷۶).

۲. «تمامی مسلمانان اتفاق نظر دارند که خلیفه دوم در زمان خلافت خود ازدواج موقت را منع کرد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۳۳۶) و در روایات وارد شده اگر ازدواج موقت منع نمی‌شد، به جز فرد شقی کسی مجبور به زنا نمی‌شد. کلمه «شقی» در روایات با قاف صحیح نیست، بلکه صحیح آن، «شقی» با فاء است و به معنای اندک است، یعنی اگر ازدواج موقت منع نشده بود، در جامعه اسلامی انحراف جنسی و زنا یا اصلاً وجود نداشت و یا به اندک یافت می‌شد» (همان، ص ۳۴۷ - ۳۴۸).

۳. «ازدواج موقت برای هوسرانی، عیاشی و حرم‌سراسازی نیست و از این‌رو، ائمه اطهار(ع) کسانی را که همسر دائم داشته و یا دسترسی به همسران خود داشته‌اند و نیاز جنسی آنها تأمین می‌شده است، از ازدواج موقت بازمی‌داشته‌اند. چنانکه امام کاظم(ع) به علی بن یقطین فرمود: تو را با ازدواج موقت چه کار، حال آن‌که خداوند تو را بی‌نیاز کرده است» (همان).

۳. تعدد زوجات: دین مقدس اسلام، تعدد زوجات را با قیود و حدود ویژه و در شرایط و موقعیت‌های خاص، به صورت محدود پذیرفته و با این راهکار حکیمانه مشکل فزونی زنان آماده ازدواج نسبت به مردان را حل کرده و نه تنها زن را تحقیر نکرده، بلکه حق آنان را استیفا کرده است و در ضمن نیاز جنسی مردانی که می‌توانند چند همسر برگزینند و به عدالت پایبند باشند نیز حل شده است و از آن سوی با تعیین حداکثر برای آن، مانع هوسرانی و فزون‌خواهی مردان شده است. فیض کاشانی با استناد به آیه شریفه تعدد زوجات (نساء، آیه ۳) درباره این مسأله چنین آورده است: «مردان حق دارند چند همسر اختیار کنند؛ اما با دوش شرط، یکی توانایی پرداخت مهریه، چون مهریه دین است و دیگر توانایی در اقامه عدالت و ایفای عادلانه نفقه و حقوق گوناگون زوجه» (فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۳۳۱).

به هر حال با تشریح ازدواج دائم، موقت و تعدد زوجات در اسلام و پوشش دادن شرایط و موقعیت‌های مختلف، باید گفت: راه انحراف و گناه جنسی تا حدود زیادی مسدود و امکان تأمین نیاز جنسی برای هر فردی به هر میزان از قدرت مالی و امکانات اجتماعی فراهم است.

## ۲. راهکارهای تعدیل

در بحث گذشته بیان شد که راه صحیح و مشروع تأمین غریزه جنسی ازدواج است؛ حال، اگر افرادی به موجب نداشتن امکانات مادی یا به خاطر نیافتن فرد موردنظر یا به جهت تکمیل تحصیل و یا نداشتن شغل و یا به هر دلیل دیگری ازدواج نکرده‌اند، نباید زمینه طغیان غریزه جنسی خود را فراهم آورند و به انحراف کشیده شوند، بلکه باید با آگاهی و برنامه‌ریزی شهوت جنسی خویش را مهار و غریزه جنسی را تعدیل کنند. فیض کاشانی از آموزه‌های دینی الهام گرفته و راهکارهای تعدیل غریزه جنسی را مورد بررسی قرار داده است، ما به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. استعفاف: برای همه افراد به ویژه جوانانی که به موجب نداشتن امکانات مادی و یا به هر دلیل دیگر ازدواج نکرده‌اند، عفت ورزیدن امری لازم و ضروری است. پروردگار حکیم در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ و کسانی که امکان ازدواج نمی‌یابند باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند» (نور، آیه ۳۳).

فیض کاشانی می‌گوید: «عفت توان باطنی و درونی است که از طغیان شهوت جنسی جلوگیری می‌کند. اصل این توان به طور طبیعی در زن و مرد نهاده شده، اما باید با تمرین و ممارست، و به کارگیری دو عامل آن را پرورش داد؛ یکی به‌وسیله رژیم غذایی یعنی از خوردن غذاهایی که شهوت جنسی را تحریک و تهییج می‌کند خودداری شود و از کمیت و مقدار غذا نیز کاسته شود و بدین خاطر پیامبر اعظم (ص) به آنان که به هر دلیل ازدواج نکرده‌اند، می‌فرماید: «روزه بدارید که روزه عامل بازدارنده و مناسب برای تعدیل شهوت جنسی است. دیگر اینکه باید از

پیدایش زمینه‌ها و فضاها‌یی که شهوت جنسی را برانگیخته می‌سازد، پرهیز شود؛ از جمله نگاه شهوت‌آلود، تنها شدن با نامحرم» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۵۳).  
 پیداست اگر معیار پرهیز از برانگیختگی جنسی است پس هرگونه برانگیختگی و تحریک جنسی را شامل است مثل تماشاکردن مناظر و فیلم‌های شهوت‌انگیز، مطالعه کتاب و مقاله‌ای که باعث تحریک جنسی شود و...

۲. استمداد از باورهای دینی: ایمان عمیق به خدا و معاد از قدرت و شدت و طغیان شهوت جنسی می‌کاهد زیرا باورهای دینی افق‌هایی را فراسوی انسان می‌گشاید و او را با خودش و کمال غایتش آشنا می‌سازد و با داشتن این سرمایه عظیم انسان احساس کرامت و عزت می‌کند و اسیر شهوت جنسی نمی‌گردد. فیض کاشانی در این باره چنین آورده است: «انگیزه دینی با انگیزش نفسانی همواره در ستیز است و در صورتی که انگیزه دینی با راهکاری حکیمانه تقویت شود بی‌تردید نقش بی‌بدیل خود را ایفا می‌کند و بر اندیشه و عقل او تأثیر می‌گذارد و واکنش قهری آن تضعیف انگیزش شهوانی است» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ق، ج ۷، ص ۱۳۳).

ممکن است سؤال شود چگونه باید انگیزش و باوردینی را تقویت کرد، دوراهکار برای این مهم وجود دارد؛ یکی معرفت و بصیرت و مطالعه آیات آفاقی و انفسی جهان آفرینش و دیگری مجاهدت و تهذیب نفس و صبوری در برابر گناه است.

۳. سالم‌سازی جامعه: بی‌تردید انسان موجود تأثیرپذیر است و موقعیت‌های مکانی، زمانی و شرایط اجتماعی و محیطی او را تحت تأثیر جدی قرار می‌دهند؛ از این رو اگر جامعه سالم باشد و حیا و عفاف و غیرت‌مندی بر آن سایه‌گستر باشد و بی‌عفتی و بی‌حیائی و طنازی و چشم‌چرانی و خودنمایی و بی‌حجابی و بدحجابی و اختلاط زن و مرد وجود نداشته باشد، قطعاً در تعدیل و مهار تمایلات جنسی زنان و مردان جامعه تأثیر می‌گذارد. به ویژه اینکه اگر نظارت عمومی، امر به معروف و نهی از منکر و مراقبت‌های اجتماعی و حکومتی و قضائی و... نیز وجود داشته باشد. فیض کاشانی به راهکار فوق به صورت پراکنده اشاره کرده است (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۴۷ و ج ۴، ص ۱۸۶).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در بخش نخست این مقاله مبانی نظری تربیت جنسی مورد بررسی قرار گرفت و معنا و مفهوم تربیت جنسی، ضرورت تربیت جنسی، تفاوت تربیت جنسی با اخلاق جنسی، زیرساخت‌های تربیت جنسی نظیر اصل‌گریزه جنسی، نیرومندی‌گریزه جنسی، پلیدی‌گرویت و مبارکی ازدواج بحث شد و در پایان این بخش از اهداف تربیت جنسی مثل پاسخ متعادل به‌گریزه جنسی، بقا و حفاظت نسل، لذت و صفای زندگی و ایجاد جامعه سالم سخن به میان آمد.

در بخش دوم آموزش‌ها و دانستنی‌های جنسی مورد بحث قرار گرفت و از پوشاندن اندام جنسی، استیذان، جداسازی بستر خواب، آموزش عفاف، بلوغ دختران و پسران و از مستور بودن آمیزش جنسی و از مکانیسم آن بحث شد.

در بخش سوم راهکارهای تأمین و تعدیل‌گریزه جنسی مورد بررسی قرار گرفت و در مورد راهکارهای تأمین از ازدواج دائم، ازدواج موقت، تعدد زوجات سخن گفته شد و به راهکارهای تعدیل نظیر استعفاف، استمداد از باورهای دینی و سالم‌سازی جامعه اشاره شد.

## منابع

قرآن کریم.

شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۸)، *تعلیم و تربیت و مراحل آن*، مشهد: آستان قدس.  
فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۷۱ق)، *ده رساله*، اصفهان: انتشارات امیرالمؤمنین.  
فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۷۷ق)، *النخبة*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.  
فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۸۳ق)، *المحجة البيضاء*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.  
فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۹۹ق)، *الحقایق فی محاسن الاخلاق*، بیروت: دارالکتاب العربی.

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۰۱ق)، *مفاتیح الشرائع*، قم: مجمع الذخائر الاسلامی.  
فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۲ق)، *الوافی*، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین.  
فیض کاشانی، ملامحسن (بی تا)، *تفسیر الصافی*، بیروت: مؤسسه اعلمی.  
کوچتکف و لاپیک (۱۳۶۹)، *روان شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان*، ترجمه محمد تقی زاده، تهران: بنیاد.

موریس دبس (۱۳۶۸)، *مراحل تربیت*، علی محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران.  
ناصر علوان، عبدالله (۱۳۷۰)، *اسلام و تربیت کودکان*، ترجمه احمد بهشتی، تهران: سازمان تبلیغات.